

## بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف

فریبا سیدان (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء؛ نویسنده مسؤول)

fariseyedana@gmail.com

نرگس نجفی نژاد (کارشناسی ارشد مطالعات زنان)

### چکیده

در جامعه ما گسترش روابط و دوستی دختران و پسران، به عنوان رفتاری فرهنگی و اجتماعی، پدیده نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر ابعاد تازه‌ای یافته است. نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی نوجوانان و جوانان در بروز این پدیده نقش مهمی ایفا می‌نمایند. در این زمینه روند تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات با چنان سرعتی انجام گرفته که افراد در عین حال که از آن متأثرند، گاه در مواجهه و انطباق با آن، با مشکلاتی نیز روبرویند. این پژوهش با اهدافی چون سنجش نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف و بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر آن انجام شده است. با به کارگیری روش پیمایشی، جامعه آماری پژوهش، دختران دانش‌آموز در مقطع سنی ۱۸-۱۶ دبیرستان‌های منطقه ۱۳ آموزش و پرورش تهران را شامل شده و تعداد ۳۸۱ نفر از آنان به شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نگرش تعداد قابل ملاحظه‌ای (۴۵/۷٪) از دختران دانش‌آموز نسبت به این گونه روابط مثبت، ۳۲/۳٪ بینابین و ۲۲٪ از دختران منفی است. نتایج آزمون فرضیات نشان می‌دهد میان متغیرهای مستقل نگرش خانواده و دوستان، اعتقادات، ارزش‌ها و پایبندی دینی، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی اجتماعی با نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل چندگانه نشان داد سه متغیر نگرش خانواده، ارزش‌ها و پایبندی دینی و نگرش دوستان، بر روی هم ۴۵٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** مدرنیسم، هویت اجتماعی، ارزش‌ها، نگرش، دوستی با جنس مخالف، سبک زندگی، دختران.

## مقدمه

جوامع مختلف دارای ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، عادات و سبک‌های زندگی متفاوت و نسبتاً پایداری بوده که با بروز تغییرات مختلف اجتماعی و فرهنگی دگرگون می‌شوند. این پدیده از ویژگی‌های انکار ناپذیر جوامع مدرن در عصر حاضر است، که عصر اطلاعات و ارتباطات خوانده می‌شود. در این زمینه برخی از تجربه‌های فرهنگی کشورهای در حال توسعه به رغم تفاوت‌های فراوان در سطح توسعه یافتگی، مشابه تجربه‌های کشورهای توسعه یافته است. با توجه به آن که رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، مرزهای زمانی و مکانی را درمی‌نوردند، مقاومت در برابر این تغییرات فرهنگی، حتی برای کشورهای قدرتمندی که به حفظ زبان و سنن فرهنگی خویش اصرار می‌ورزند، نیز بسیار دشوار است (ذکائی، ۱۳۸۵: ۴۲).

شایان ذکر است در گذشته مفهوم جوانی، مفهومی زیست‌شناختی بوده که بر آن اساس نیروهای جسمانی و غریزی انسان در اوج کمال می‌باشد. اما در دنیای جدید، مفهوم جوانی دارای ابعادی ویژه و مقوله‌ای اجتماعی محسوب شده که در تعامل با سایر مقولات اجتماعی، نقش‌ها و روابط خاصی را ایجاد می‌نماید. اکنون تغییر ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی مختلف، با تغییر مفهوم جوانی و کنش‌های جوانان، به ویژه در حوزه ارتباطات اجتماعی، همراه شده است. در این زمینه گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، هسته‌ای شدن خانواده‌ها و بسیاری از پدیده‌های مدرن دیگر، پدیده‌هایی هستند که در بررسی ویژگی‌های دوره جوانی و روابط حاصل از آن بسیار راه‌گشا می‌باشند. در دهه‌های اخیر جامعه ایرانی نیز به دلیل تحولات اجتماعی، فرهنگی، ارتباطات گسترده و دست‌رسی وسیع به رسانه‌ها، با دگرگونی‌ها و تغییرات شگرفی در زمینه نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی روبه‌رو بوده است. با توجه به آن که در دوران متاخر، از جمله تأثیرات مدرنیته نفی مراجع سنتی است، در چنین شرایطی نوجوانان دختر و پسر بیش از بزرگسالان، در معرض تأثیر پذیری از دگرگونی‌های مذکور بوده و آمادگی بیشتری برای پذیرش نگرش‌ها و سبک‌های نوین زندگی دارند. از این نظر، برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی، دگرگونی فرهنگی و تغییرات روابط اجتماعی میان دختران و پسران را از ویژگی‌های جوامع مدرن یا در حال گذار به سوی مدرنیته تلقی می‌نمایند

(روزنزیوگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). آنان بر آنند جوامع کنونی، خواه ناخواه باید خود را برای مواجهه با این پدیده در سطح گسترده و در اشکال گوناگون آن آماده نمایند.

### طرح مسئله

دوستی و روابط دختران و پسران در ایران موضوعی است که جمعیت درگیر آن را جوانان تشکیل می‌دهند. فهم عمیق واقعیت‌های زندگی جوانان ایرانی، ما را به درک عمیق‌تر موضوعات وابسته به آن، از جمله روابط مذکور سوق خواهد داد. در این زمینه از یک سو، این پدیده در جامعه ما پدیده‌ای جدید می‌باشد که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بروز کرده و از سوی دیگر این گونه روابط تقریباً در فرهنگ، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه ایرانی، سابقه و جایگاه چندان مطلوبی ندارد. بر اساس نظر جامعه‌شناسان هنجارها، ارزش‌ها، قواعد و آداب و رسوم در روابط با دیگران به وسیله فرهنگ تعریف شده و به افراد منتقل می‌گردد. در هر جامعه‌ای برای تشخیص مسائل اجتماعی از معیارهایی چون: مذهب، قانون، فرهنگ و اخلاق استفاده می‌شود. این معیارها مشخص می‌کنند که چه اعمالی در جامعه قابل قبول و چه هنجارها و اعمالی غیر قابل پذیرش و ناهنجار بوده و مسئله‌ای اجتماعی محسوب می‌شود (فرجاد، ۱۳۷۷: ۱۱). به این ترتیب اگر افراد از هنجارها و ارزش‌ها تبعیت نکنند، رفتارشان برای جامعه مشکل‌آفرین خواهد بود و بدین گونه مسئله‌ای اجتماعی بروز می‌کند. در جامعه ما، روابط و معاشرت دختران و پسران پدیده نسبتاً جدیدی است. اگرچه در دوران قبل از انقلاب، رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات) این رابطه را تبلیغ می‌کردند، اما هنوز بخش وسیعی از جامعه ما سستی بوده و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی نقش اصلی را در جهت‌دهی و هدایت افراد در کنش‌های متقابلشان با دیگران، خصوصاً با جنس مخالف، ایفا می‌کرد. آثار این تحول و دگرگونی در امور اجتماعی، فرهنگی و ارزشی در جامعه ما نیز روز به روز در حال گسترش بوده و نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر خود قرار داده است. از جمله پیامدهای این پدیده، شکاف نسل‌ها و فاصله گرفتن نسل امروز از ارزش‌های سنتی و گرایش به ارزش‌های مدرن است. چنان‌که می‌توان ادعان داشت نوجوانان و جوانان ما از تغییرات ارزشی

ناشی از بروز مدرنیسم بی بهره نبوده و از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار در گرایش نوجوان امروز به ارتباط با جنس مخالف، تغییر و تحولات مذکور است.

بنابراین از آنجا که جامعه ایرانی، جامعه‌ای دستخوش تغییرات اجتماعی است که در برابر مدرنیته و مظاهر آن مقاومت می‌کند، می‌توان ادعان داشت این روابط از یک سو نوعی مسئله و گرفتاری شخصی بوده و از سوی دیگر نوعی مسئله و آسیب اجتماعی به شمار می‌رود. چنان که جوانان از یک سو با هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی مواجه هستند که نسبت به این روابط، دیدگاهی منفی و سخت گیرانه دارند و از سوی دیگر با تغییر نگرش‌ها و گسترش دیدگاه‌های مدرن روبه رویند که این روابط را تشویق می‌کنند. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که تضاد بین این دو بعد (هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و بروز مدرنیسم)، آن‌ها را در حالتی آنومیک و سر درگم بین سنت و مدرنیته قرار داده است. به عبارت دیگر روند تغییرات و دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات با چنان سرعتی انجام گرفته که افراد نتوانسته اند رفتار خود را با ارزش‌های جدید تطبیق دهند. به این ترتیب روشن است که روابط میان دختران و پسران فقط یک مشکل فردی نیست، بلکه سطوح مختلف اجتماع (خانواده و جامعه) را در بر گرفته و نگرانی‌های زیادی ایجاد کرده است، چنان که نوعی آسیب اجتماعی نیز تلقی می‌شود. به طوری که خانواده‌ها از سویی نگران پیامدهای منفی اجتماعی، روحی و روانی و جسمی برای فرزندان خود بوده و از طرف دیگر گسترش این روابط در جامعه ما تأثیرات فراوانی بر بسیاری از نهادهای اجتماعی، به ویژه نهاد خانواده و ازدواج می‌گذارد. از این رو، از جمله اهداف این پژوهش، سنجش سطح نگرش دختران دانش آموز نسبت به روابط و دوستی دختران و پسران و بررسی برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر آن است.

#### مرور پژوهش‌ها

برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است در سال‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های نهادی و اجتماعی چون: شهر نشینی، صنعتی شدن، بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات، افزایش حضور زنان و دختران در جامعه، تغییر در سبک زندگی، گسترش روز افزون رسانه‌های ارتباطی (ماهواره، اینترنت) و نیز گسترده شدن روز افزون مکان‌های حضور زنان و مردان، دوستی و روابط دختران و پسران فزونی یافته است به

گونه ای که اقشاری از جوانان و نوجوانان به داشتن چنین روابطی گرایش دارند (عبدالهیان ۱۳۸۳، جوکار ۱۳۸۳). در ایران تغییرات سبک زندگی و توسعه وسایل ارتباط جمعی از جمله مهم ترین عوامل دگرگونی های اجتماعی، به ویژه در بعد روابط شخصی افراد، بوده است. چنان که از تغییرات مهمی که در الگوی زندگی مردم ایران به خصوص در کلان شهرها صورت گرفته است، سهولت روابط دختران و پسران در سال های اخیر است. رسانه های نوینی چون اینترنت فضای مجازی و مکانی سیالی برای هویت یابی و دوست یابی جوانان ایجاد کرده است. چنان که درصد قابل توجهی از کاربران اینترنت را جوانان تشکیل می دهند. در این زمینه پژوهش مهدی زاده (۱۳۸۶) نشان داد که بیش از ۷۰٪ از جوانان تهرانی به اینترنت و ماهواره دسترسی داشته و به طور متوسط در شبانه روز بیش از ۲ ساعت از اوقات خود را به آن جهت سرگرمی اختصاص می دهند. توسعه امکانات در فضاهای مجازی به گسترش امکان گفتگو، دوست یابی، روابط اجتماعی و انتقال اخبار و اطلاعات انجامیده است. برخی از پژوهش ها حاکی از آن است که از جمله عوامل تاثیر گذار بر تمایل افراد مذکور به رابطه با جنس مخالف، تغییرات سبک زندگی و ارزش ها است. چنانکه پژوهش موحد (۱۳۸۵) در زمینه بررسی نگرش دختران نسبت به روابط بین شخصی بین دو جنس نشان داد اولویت های ارزشی، باورهای دینی و پای بندی به ارزش های دینی، با نگرش دختران به روابط مذکور معنادار بوده است. همچنین میزان به کارگیری رسانه هایی همچون ماهواره، اینترنت، رادیوهای خارجی و... با متغیر مذکور رابطه ای معنادار و مستقیم دارد. نتایج پژوهش کوثری (۱۳۷۳) نیز نشان داد دانش آموزانی که به ارزش های سنتی و اعتقادات مذهبی بیشتر پایبندند، نگرش شان نسبت به رابطه با جنس مخالف، منفی تر است. نتایج پژوهش جوادی یگانه (۱۳۷۷) نیز نشان داد افرادی که نسبت به فرایض دینی اهتمام و پایبندی کمتری دارند، بیشتر در ارتباط با جنس مخالف قرار دارند. نتایج پژوهش فراهانی و همکاران (۱۳۸۵)، نیز حاکی از آن است درصد قابل توجهی از پسران نوجوان ۱۸-۱۵ ساله نسبت به روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج نگرش مثبت دارند. پسرانی که از نظر سنی بزرگ تر بوده و دست رسی بیشتری به استفاده از رسانه هایی چون اینترنت، ماهواره و... دارند، نگرش شان نسبت به رابطه با جنس مخالف مثبت تر است. برخی از پژوهش ها در ایران نیز حاکی از تغییر نگرش خانواده ها نسبت به روابط دختران و پسران است. چنان که علی احمدی (۱۳۸۳) در تحلیل ثانویه اطلاعات ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، نشان داد ۳۸/۴٪ از

پاسخگویان با معاشرت و دوستی دختران و پسران قبل از ازدواج موافق بوده‌اند. برداشت عمومی افراد جامعه ایرانی نیز، گسترش روابط دختران و پسران و تشابه آن با الگوی روابط در کشورهای غربی را تایید می‌کند. چنان که در پژوهشی که در آن ۱۲۰۰ پدر و مادر ایرانی مورد مطالعه واقع شدند، نتایج نشان داد ۸۸٪ از والدین معتقدند روابط دختران و پسران نسبت به سال‌های گذشته فزونی یافته است. پدران و مادران جوان در سنین کمتر از ۴۰ سال بیشتر به شیوع این پدیده اعتقاد داشتند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۷۹).

با توجه به تفاوت‌های فرهنگی جوامع غربی با فرهنگ‌های شرقی، به ویژه ایرانی، ادبیات مربوط به موضوع مقاله در این جوامع دارای نگرش متفاوتی نسبت به این پدیده با جامعه ما است، چنان که این گونه مطالعات چنین روابطی را طبیعی و مطلوب دانسته و گاه تاکید بر روابط و دوستی‌های صرفاً دخترانه را آسیب‌زا تلقی می‌نماید. در این زمینه، در کشورهای غربی، این پدیده از دهه‌های آغازین قرن بیستم و با بروز مظاهر مدرنیسم و گسترش مراکز آموزشی همانند دانشگاه‌ها و اشتغال زنان و ورود آنان به حوزه‌های عمومی مرسوم شده است و تا قبل از آن به طور عمده دوستی‌های زنان و دختران جوان با همجنسان خود و با ایجاد ارتباطات عمیق احساسی همراه بوده است. در این دوران با ایجاد انتظارات مختلف از دختران جوان و با تاکید کمتر بر روابط نزدیک و صمیمی زنان، که قبلاً مرسوم بود نوعی فرهنگ احساسی ایجاد شد که در آن بر محدودیت احساسات در ارتباطات دوستی بین دختران تاکید می‌شد و به طور صریحی ترجیحات فرهنگی برای روابط دوستی ناهمجنس‌گرا مطرح شد. چنان که این فرهنگ، روابط نزدیک و صمیمی و احساسی بین دختران را تشویق نمی‌نمود. با بروز مدرنیسم دختران نوجوان تشویق می‌شدند که به پارتی‌ها رفته و با پسران به رقص و گفت‌وگو بنشینند. بدین ترتیب در کشورهای غربی روابط دوستی ناهمجنس‌گرا در میان دانش‌آموزان دبیرستانی گسترش یافته و محتوای دوستی دختران به طور روزافزونی بر روابط آنان با پسران متمرکز شد (روزنزیوگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). اما در این زمینه، مطالعات کنونی در کشورهای غربی، با تاکید بر زمینه‌های روانشناسی به بررسی موضوعاتی از جمله ویژگی‌های جرگه‌های دوستی، وجود آزار و تهدید و

1- Rosenzweig

بررسی فرایندهای طرد و شمول در این گروه اختصاص دارند (تولج<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵؛ ادر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵؛ کینی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ لکی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷؛ سیمونس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). چنان که وایزمن (۲۰۰۲) در پژوهش خود به ایجاد دستجات و جرگه‌های انحصاری در میان زنان و دختران دبیرستانی سال پایین و بالا پرداخته که مملو از مشکلات مختلف است. بر این اساس پیوندهای دوستی همجنس‌گرا و ناهمجنس‌گرا برای کودکان اهمیتی حیاتی در مشارکت اجتماعی آنان دارد. در عین حال، تحقیقات فمینیستی بر اهمیت دوستی دختران نوجوان در ایجاد تعلقات اجتماعی تأکید دارند (های<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲). اسپنسر و پال<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) نیز بر دوستی‌های نوجوانان مدرسه‌ای به عنوان بنیانی برای تجربه بزرگسالی تأکید می‌نمایند. از این نظر روابط دوستانه در فرایند ساخت هویت شخصی و حفظ تعلقات اجتماعی در دوره‌های مختلف زندگی دارای اهمیت است. همچنین برخی از مطالعات به بررسی الگوهای دوستی و توانایی ایجاد و حفظ روابط نزدیک شخصی پرداخته‌اند. این مطالعات بر مفاهیمی چون عزت نفس، انطباق روانی و دیگر ویژگی‌های قابل سنجش مبتنی بوده و دوستی نوجوانان (از جمله دختران و پسران) به طور عمده به عنوان مرحله‌ای مورد مطالعه قرار می‌گیرد که بر آن اساس می‌توان میزان توفیق رشد بهنجار روانی - اجتماعی نوجوانان را مورد سنجش قرارداد. برخی از بررسی‌ها هم حاکی از آن است که اگرچه دوستی زنان و مردان دارای اهمیت است اما در این زمینه الگوهای متفاوت جنسیتی وجود دارد (مثلاً نگاه کنید به: ویلکس<sup>۸</sup>، ۱۹۹۲؛ هارتلی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۴). همچنین نتایج پژوهش «های» (۱۹۹۷) نشان داد که حوزه خصوصی و حاشیه‌ای دوستی‌های دختران مدرسه‌ای، مکان مهمی است که در آن روابط اجتماعی جای داشته و در آن دختران براساس ویژگی‌های هویتی متنوعی عمل می‌کنند.

1 Tulloch

2 Eder

3-Kinney

4- Leckie

5-Simmons

6- Hey

7-Spencer and Paul

8-Wilks-

9- Hartley

## زمینه نظری

از نظر برخی از محققین، تغییرات ارزشی از سستی به سکولار عقلانی و تغییر و تحول در سبک زندگی مدرن، از جمله آثار مهم دگرگونی‌های اجتماعی-فرهنگی در دهه‌های اخیر است، چنانکه بررسی این پدیده، راهی برای تعیین نگرش افراد بوده و اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد. در این زمینه جهانی شدن و فرایندهای مدرنیزاسیون با تاثیر بر فرهنگ عینی، فرهنگ ذهنی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد تحت تاثیر خود قرار داده، و با مبادله ایده‌ها و ارزش‌ها در سرتاسر جهان، بر تغییر نگرش و رفتار انسان‌ها موثر است (گونل، ۲۰۰۷، ۱۴-۱۳). بر این اساس، توسعه اقتصادی با تغییرات منسجم و تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی در زندگی فرهنگی و اجتماعی، منطبق بوده و به افزایش سطح تحصیلات، افزایش سطوح درآمد و تغییرات در نقش‌های هنجارها و ارزش‌های مرسوم جنسیتی و... منجر شده است (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰، ۲۱).

این رهیافت نظری دو سطح سیستم (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مد نظر قرار می‌دهد. بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در ساختار و نظام اجتماعی، به دگرگونی‌هایی در سطح فردی منجر شده و این دگرگونیها در سطح خرد دارای پیامدهایی برای نظام اجتماعی است. توسعه اقتصادی-اجتماعی، تغییر فرهنگی، ارزشی و دموکراتیک شدن از نشانه‌های تغییر اجتماعی است. از این نظر توسعه اجتماعی-اقتصادی، تغییر اجتماعی و دموکراسی سه پدیده مجزا و جدا و در عین حال دارای وجوه بهم پیوسته‌ای هستند، که باعث گسترش حق انتخاب انسان‌ها می‌شوند. از این رو تغییرات فرهنگی و ارزشی نقش بنیادین و حیاتی تری در تغییرات اجتماعی دارند. شایان ذکر است در حالی که تغییر ارزش‌های بین فرهنگی با فرایندهای مدرنیزاسیون و پست مدرنیزاسیون در ارتباط است، ارزش‌های بنیادین فرد حاصل جامعه پذیری و انعکاس شرایطی است که در دوران پیش از بزرگ سالی فرد غالب بوده است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۷: ۹۷-۹۸؛ اینگلهارت و آبرامسون ۱۹۹۴: ۳۳۷). تغییرات و دگرگونی‌های ارزشی در فرد ممکن است از طریق مشاهده دیگرانی که الگوها و گروه‌های مرجع فرد هستند، ایجاد شود. بر این اساس، ارزش‌های دیگران مهم و گروه‌های مرجعی چون دوستان و خانواده، با توجه به مطلوبیت آن‌ها، به عنوان یک ملاک در نظر گرفته شده و افراد سعی می‌کنند ارزش‌های خود را با آن‌ها تطبیق دهند. در این زمینه جامعه پذیری ارزش‌ها، که دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد، مبین این است که ارزش‌های



اجتماعی یک شبه تغییر نمی کنند. بر عکس دگرگونی اساسی ارزش ها، به تدریج و به طور نامحسوسی روی میدهند. این دگرگونی در مقیاس وسیع، هنگامی پدید می آید که اولاً نسل جوان تر جایگزین نسل مسن تر در جمعیت بزرگ سال جامعه شده و ثانیاً پس از هر دوره رونق و شکوفایی اقتصادی و امنیت جانی، بین اولویت های ارزشی گروه های بزرگ تر و جوان تر تفاوت های محسوسی ایجاد شود. این اولویت های ارزشی، تحت تأثیر تجربه های مهم سال های اولیه شکل گیری شخصیتی افرادی باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۷-۷۶). بنابراین تغییر شرایط محیطی، موجب تطابق سریع اولویت های ارزشی افراد با آن نمی شود و ارزش های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس کننده شرایط و فرایندهای جامعه پذیری وی بوده که در سال های پیش از بلوغ تجربه کرده است (همان: ۷۵). از این نظر دگرگونی فرهنگی تدریجی بوده و بازتاب دگرگونی در تجربه های سازنده ای است که به نسل های مختلف شکل داده است. ارزش ها و هنجارهای سنتی در میان نسل های گذشته شایع بوده، در حالی که در میان نسل های جوان تر، گرایش های مدرن، تا حد زیادی نفوذ داشته و با جانشین شدن نسل های جدیدتر، جهان بینی متداول در جوامع دگرگون شده است. جهان بینی مردم با تجارب کلی زندگیشان شکل گرفته و گاهی تجارب سازنده نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل های گذشته متفاوت است (همان: ۲). در این زمینه جهت گیری های ارزشی افراد را می توان بر اساس ارزش های سنتی در مقابل ارزش های سکولار- عقلانی<sup>۱</sup> مقایسه کرد (اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۱۱). بعد ارزش های سنتی در مقابل ارزش های سکولار- عقلانی، تضاد و تفاوت میان جوامعی که در آن ها دین و ارزش های دینی بسیار با اهمیت است را با جوامعی که این چنین نیستند، نشان می دهد. این دو نوع ارزش در جوامع، با دو نوع اقتدار همراه هستند. در جوامعی که دین با اهمیت است و ارزش ها، ارزش های سنتی هستند، اقتدار سنتی و ایدئولوژی های دینی حاکم است. در جوامعی با ارزش های سکولار و عقلانی، اقتدار حاکم، اقتدار ایدئولوژی های سکولار است که در رأس آن دولت و قانون قرار دارند. در جوامع با ارزش های سنتی، خانواده و اقتدار به آن بسیار با اهمیت است. غرور ملی، احترام منفعلانه برای اقتدار، تأکید بر همنوایی اجتماعی و سازگاری، از خصیصه های این جوامع است. افراد بر روابط و نقش های جنسیتی و هنجارهای آن تأکید دارند و برای بالا بردن توان پیش بینی، از هنجارها و ارزش های دینی مطلق حمایت می کنند. به طور کلی در چنین جوامعی بر اطاعت از

اقتدار سستی (معمولا اقتدار دینی) بسیار تأکید می‌شود و تعهدات عمومی و هنجارهای مشترک بر جسته هستند. اما در جوامعی که ارزش‌های سکولار و عقلانی حاکم است، دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های ارزشی آنها بر عکس مطالب فوق می‌باشد. در یک جهان بینی سکولار، اقتدار حاکم مشروعیتش را از هنجارهای قانونی-عقلانی بجای هنجارهای دینی می‌گیرد و در این جوامع تأکید بر کیفیت زندگی، موفقیت فردی و انباشت اقتصادی است. در چنین جوامعی، فرسایش کنترل‌های اجتماعی دینی، فضای آزاد و گسترده‌ای را در مقابل استقلال افراد باز می‌کند، اما این استقلال با تعهدات رو به گسترش به دولت همراه است. بدین معنی که اقتدار دولتی جایگزین اقتدار سستی می‌شود (اینگلهارت و بیکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۲۶-۲۵).

با گسترش مدرنیسم، تغییرات ارزشی با تغییر سبک‌های زندگی همراه بوده که از جمله عوامل تأثیر گذار بر دگرگونی نگرش افراد، به ویژه اقشار جوان می‌باشد. این پدیده که مبتنی بر سازمان اجتماعی مصرف است، تمامی انواع فعالیت‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد که در تعیین ویژگی‌ها، هویت، نگرش‌ها و رفتار مردم نقش دارند. سبک و شیوه‌های زندگی، عملکردهای روزمره‌ای هستند که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت هویت شخصی، به طور بازانديشانه‌ای در برابر تغییرات احتمالی، باز و پذیرا بوده و هر یک از تصمیم‌گیری‌های کوچک شخصی در زندگی روزانه، در تعیین و تنظیم امور روزمره سهیم‌اند. همه این‌گونه انتخاب‌ها، مستلزم تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ما نه فقط درباره چگونه عمل کردن، بلکه درباره چگونه بودن خویش، به مرحله اجراء می‌گذاریم. هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد، بیشتر به دنیای مدرن و ما بعد سستی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر حاصل انتخابی آزادانه بوده و با هویت شخصی‌اش، سرو کار خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۰). این پدیده، روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. از این نظر سبک زندگی، شکل اجتماعی نوینی است که تنها در متن مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (فدرستون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ لاش و یوری<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷). از

1- Inghart- Baker

2-Feathrston

3-Lash and Urry

نظربوردیو<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) نیز سبک استفاده از کالا، بخصوص آن دسته از کالاها که ممتاز قلمداد می‌شوند، یکی از نشانه‌های کلیدی هویت و نیز سلاحي ایده آل در استراتژی‌های تمایز و تشخیص است. از نظر وی سبک زندگی نتیجه قابل رویتی از ابراز عادت بوده و چیزهایی که انسان را احاطه کرده نظیر وسایل خانه، لباس، و... بخشی از سبک زندگی فرد می‌باشد (پالومتس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲).

در دوران کنونی، بررسی تاثیر سبک زندگی بر روابط شخصی و نگرش نسبت به آن مهم بوده، چنان که همه ارتباط‌های امروزی، به ویژه روابط شخصی و دوستی‌ها، نقش مهمی در بازاندیشی گسترده تجدد و طرح هویت شخصی افراد ایفاء می‌کنند. قابل ذکر است در جوامع مدرن، از جمله مولفه‌های هویت انسان‌ها، انتخاب است. در حالی که در جوامع سنتی، سنت‌ها، انتخاب‌ها را در مسیر کاملاً از پیش تعیین شده هدایت می‌کنند، مدرنیسم، فرد را در روی انبوهی از انتخاب‌های ممکن از جمله انتخاب نوع روابط شخصی و دوستانه خود قرار می‌دهد که سبک زندگی او را معین می‌کند. بنابراین در دنیای مدرن امروزی، هر یک از تصمیمات روزانه شخصی، شامل آن که چه بپوشیم، چه بخوریم و چگونه روابطی داشته باشیم، همگی هویت فرد را مشخص می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۹-۱۲۲). در این زمینه، یکی از ویژگی‌های نظام‌های اجتماعی مدرن این است که در آن‌ها روابط شخصی با افرادی برقرار می‌شود که می‌توان آن‌ها را از میان امکانات گوناگون سبک زندگی انتخاب کرد. چنان که هرگاه شخصی مایل باشد خارج از هنجارها، سنت‌ها و ارزش‌های دینی برای برقراری چنین روابطی با دیگران انتخاب‌هایی به عمل آورد امکانات گوناگونی در پیش روی خود خواهد یافت. روابط شخصی و پیوندهای دوستی که به طرزی کم و بیش آزادانه انتخاب شده باشند، اهمیت خاصی در امر ایجاد هویت شخصی (مدرن) می‌یابند (همان: ۱۲۸-۱۲۹). از این رو بازاندیشی ارتباط‌های مذکور، نقش مهمی در ارتباطات اجتماعی جوامع مدرن ایفاء می‌کنند. چنان که در این زمینه انبوه عظیمی از مقالات مجلات و روزنامه‌ها، نوشته‌های تخصصی، کتاب‌های راهنما و برنامه‌های تلویزیونی به طور مداوم ناقل اطلاعاتی درباره ارتباط‌های شخصی افراد هستند (همان: ۱۳۵). شایان ذکر است در این گونه ارتباطات، جنسیت طرف مقابل مهم بوده و طیف وسیعی از روابط احساسی، همدلی، عاطفی، عاشقانه و... در اشکال و مراتب گوناگون آن، مبادله

1 Bourdieu  
2-Palumets

می‌شود. در جوامع مدرن جستجوی چنین روابطی، به خصوص برای دختران و زنان جوان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، چنان که روایت معینی از هویت شخصی (مدرن) خویش را در قالب روابط مذکور ارائه می‌دهند (همان: ۱۳۳).

### جمع بندی بخش نظری و تشریح مبنای انتخاب فرضیات

همان گونه که ذکر شد، نتایج برخی از پژوهش‌ها، حاکی از آن است در سال‌های اخیر همراه با دگرگونی‌های نهادی، حضور زنان و دختران در جامعه، تغییر در سبک زندگی، گسترش روز افزون رسانه‌های ارتباطی (ماهواره، اینترنت) و نیز امکان ملاقات و حضور زنان و مردان به ویژه جوان؛ پدیده روابط دوستی دختران و پسران، از بطن روابط بین شخصی جوانان در جامعه پدید آمده، چنان که گرایش برخی از جوانان و نوجوانان به داشتن چنین روابطی است. فرایندهای مدرنیته، علاوه بر تاثیر بر فرهنگ عینی، فرهنگ ذهنی و نگرش‌ها و ارزش‌های افراد رانیز به شدت متاثر کرده است. در مقاله حاضر، در پرتو دیدگاه‌های اینگلهارت و گیدنز، تاثیرات تغییرات فرهنگی ناشی از بروز و ظهور مدرنیسم در قالب تغییرات ارزشی، هویتی و سبک زندگی بر نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف بررسی گشته و بر آن اساس فرضیاتی تدوین گردیده است. در این زمینه، با کمک از دیدگاه اینگلهارت، نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، تحت تاثیر فرایندهای جامعه پذیری انگاشته شده که دختران، به ویژه در دوران نوجوانی، در گروه‌های مرجعی چون خانواده و دوستان آن را تجربه کرده و از آن تاثیر می‌پذیرند. این فرایند ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه را در قالب الگوهای رفتاری هنجارمند به افراد منتقل کرده و بدین سان نسل‌ها را به یک دیگر پیوند می‌دهد. افراد از این راه یاد می‌گیرند که به نیازهای زیستی و اجتماعی خود، به گونه‌ی که از نظر اجتماعی پذیرفته شده باشد، پاسخ گویند تا به ارزش‌ها، هنجارها و اهداف فرهنگی آسیبی نرسد. از دیدگاه جامعه‌شناسان در همه‌ی فرهنگ‌ها، خانواده سازه بنیادین جامعه پذیری در دوران کودکی است. اما با افزایش سن، بسیاری از سازه‌های دیگر هم چون نهادهای دینی، گروه‌های همالان و دوستان، بنگاه‌های آموزشی و رسانه‌های گروهی نقشی مهمی در جامعه‌پذیری افراد می‌یابند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۰۳). از آن جا که جامعه‌پذیری نقش بسیار مهمی در ساخت ارزش‌ها و نگرش‌های افراد دارد در این پژوهش از دیدگاه دگرگونی ارزشی اینگلهارت بهره‌جسته ایم، چرا که بر آن اساس فرض جامعه‌پذیری ارزش‌ها مهم

انگاشته شده است. این دیدگاه با تاکید بر فهم چه گونه‌گی و چرایی دگرگونه‌گی‌های فرهنگی و ارزش‌های جوامع، به دنبال دریافت دگرگونه‌گی‌های پیرامونی و کلان، در نظام جامعه است. بدین سان با به کارگیری این دیدگاه می‌توان دگرگونه‌گی‌ها در سوگیری‌های ارزشی را هم در سطح خرد و درون افراد جامعه بررسی کرد و هم در سطح کلان و میان جوامع دیگر.

از این نظر نگرش مثبت دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، تحت تاثیر تغییرات ارزشی مدرن و سکولار قرار دارد که مخالف با آموزه‌ها و ارزش‌های سنتی در این باره بوده و حاکی از هویت مدرن افراد در زمینه روابط بین دو جنس است. قابل ذکر است رشد و نفوذ ارزش‌های مدرن و دیدگاه‌های سکولار در میان دختران، بر میزان اعتقادات، ارزش‌ها و پایبندی دینی آنان موثر بوده و نگرش آنان نسبت به رابطه با جنس مخالف را متاثر می‌سازد. همچنین با بروز مدرنیسم، بررسی سبک زندگی، شکل اجتماعی نوینی برای تعیین ارزش‌ها، نگرش و رفتار افراد بوده و تغییر و تحول آن از آثار مهم دگرگونه‌گی‌های اجتماعی - فرهنگی در دهه‌های اخیر است. از این نظر، ویژگی‌های نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، تحت تاثیر مدرنیزاسیون انگاشته شده که تحول سبک‌های زندگی و دگرگونه‌گی‌های ساختاری مدرنیته مربوط بدان را با یک دیگر پیوند زده است. از این رو می‌توان چنین انگاشت که هر قدر نگرش خانواده و دوستان دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف مطلوب‌تر باشد، فرایندهای جامعه‌پذیری آنان در نهاد خانواده و دوستان بیشتر مدرن بوده و نگرش آنان را نیز متاثر می‌نماید. همچنین هر قدر سبک زندگی دختران مدرن‌تر بوده و پایبندی آنان به ارزش‌ها و اعتقادات دینی کمتر باشد، نگرش مطلوب‌تری نسبت به برقراری رابطه با جنس مخالف دارند. با توجه به مطالب مذکور، فرضیات پژوهش به شرح زیرند:

- ۱) بین اعتقادات دینی دانش‌آموزان و نگرش آن‌ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.
- ۲) بین ارزش‌های و پایبندی دینی دانش‌آموزان و نگرش آن‌ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.
- ۳) بین سبک زندگی دانش‌آموزان و نگرش آن‌ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.
- ۴) بین نگرش دوستان دانش‌آموزان و نگرش آن‌ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.

۵) بین نگرش خانواده دانش آموزان و نگرش آن هانسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.  
 ۶) بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین دانش آموزان و نگرش آن ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد.

#### روش تحقیق

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش دانش آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۳ آموزش و پرورش شهر تهران هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برای جامعه آماری مورد نظر تعیین شده است که در نهایت تعداد ۳۸۱ نفر به عنوان حجم نمونه برای این تحقیق مشخص گردید. از طریق نمونه گیری سهمیه ای، از میان کل دبیرستانهای دخترانه، منطقه ۱۳ آموزش و پرورش شهر تهران، براساس سن (۱۶-۱۸) دانش آموزان، نمونه مورد بررسی مشخص گردید. در این پژوهش، ابزار جمع آوری داده ها، پرسش نامه می باشد. شایان ذکر است بالاترین میزان تحصیلات والدین در سطح دیپلم و فوق دیپلم بوده که این میزان برای مادران ۶۶٪ و پدران ۵۷٪ است. نوع شغل پدر آزاد (حدود ۵۷٪) و کارمندان بخش خصوصی و دولتی (۴۳٪) بوده است. همچنین ۹۰٪ مادران دانش آموزان خانه دار و ۱۰٪ شاغل در بخش دولتی و آزاد بوده اند.

شایان ذکر است روایی پرسش نامه، روایی صوری<sup>۱</sup> بوده است که منظور از آن میزان توافق متخصصان یک امر با یک شاخص یا معیار است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۷۸). به منظور حصول اطمینان از پایایی<sup>۲</sup> سؤالات پرسش نامه، ضریب آلفای کرونباخ<sup>۳</sup> داده های نهایی برای طیف های نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف برابر ۰/۷۸، نگرش خانواده ۰/۸۰، نگرش دوستان ۰/۸۱، ارزش ها و پایبندی دینی ۰/۸۰، اعتقادات دینی ۰/۷۹ و شاخص های سبک زندگی برابر ۰/۷۹ به دست آمده است. برای تحلیل داده ها از آماره های مختلفی چون توزیع درصد و فراوانی، ضریب همبستگی، تحلیل عاملی و رگرسیون چند گانه استفاده شد و سطح معنی داری در آزمون های فوق ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. نحوه سنجش و تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها در جدول ۱ تشریح شده است.

1-Face Validity

2-Reliability

3-Cronbachs Coefficient Alpha

## جدول ۱- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعاریف	
	نظری	عملی
نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف	نوعی آمادگی روانی و ذهنی است که از طریق تجربه فرد سازمان می‌یابد و در پاسخ فرد به موقعیت ها و موضوعات کاربرد دارد (آپورت، ۱۳۷۱، ۲۴).	معرفی
	احساسی	داشتن احساسات عاشقانه/ جنسی/ هم‌دلی/ هم‌صحتی/ هم‌نشینی ورفاقت/ مهر و رزانه/ کین و رزانه ن در رابطه باجنس مخالف
سبک زندگی	مجموعه ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است (گیدنز: ۱۳۸۲، ۱۲۱).	مصرف محصولات رسانه ای
	مراقبت از بدن	استفاده از لیزرنگی، انجام جراحی‌های زیبایی (بینی و...)، رفتن به سالن‌های آرایش، توجه به نظافت بدن، اصلاح صورت، آراستن موها
فعالیت‌های فراغتی	فعالیت‌های فراغتی	شرکت در پارتنی با دوستان پسر، کلاس رقص، رفتن به کافی شاپ، کنسرت، تورهای مختلف سیاحتی (با هدف معاشرت و آشنایی با جنس مخالف)، گردش خانوادگی، رفت و آمد خانوادگی، رابطه با دوستان دختر
	الگوهای خرید پوشاک	شیک و تک بودن، خرید از پاساژهای بالای شهر، مد روز بودن، خرید از بوتیک‌های خارجی، فروش، خرید از بازار سنتی، خیاط‌شخصی، ارزان بودن، توجه به کیفیت
ارزش‌ها و پایبندی دینی	مقصود باورهای است که (از نظر دینی) شایسته، درخور، خوب یا بد دانسته شده و به آن ارجح می‌نهند (گیدنز، ۱۳۸۱: ۷۸۷). با توجه به دیدگاه گلاک <sup>۱</sup> و استارک (۱۹۶۵) پایبندی به ارزش‌های دینی دارای ابعاد مناسکی، پیامدی و تجربی است.	بعلمناسکی:
	ارزش‌های مربوط به حرمت روابط با نامحرم، روابط جنسی نامشروع، رعایت حجاب، حرمت ارتکاب به رشوه خواری، ارزش‌های مربوط به درستکاری در داد و ستد، عفو به جای قصاص...	اعمال دینی خاصی است که پیروان یک دین انجام می‌دهند.
بعد پیامدی: تأثیر ارزش‌ها باور و رفتار دینی بر پیروان که رابطه فرد با دیگران را نیز متأثر می‌سازد	بعد تجربی: درک و آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و احساسات دینی.	احساس ارتباط مستقیم با خداوند، احساس احترام به امامان، احساس توبه و دوری از گناه، احساس توسل و شفاعت از امامان، احساس دخالت خدا در زندگی و سرنوشت انسانها و...
مفهوم عقاید خاص به جای مانده از	اعتقاد به خلاروز رستاخیز، زندگانی پس از	

- 1- Glock
- 2- Stark

## یافته‌های پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف بوده و در ابتدا به توصیف آن می‌پردازیم. همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف ۲۲٪ منفی، ۳۲/۳٪ بینابین و ۴۵/۷٪ مثبت بوده است. همچنین میانگین متغیر فوق ۳/۱۹ بوده و در مجموع بالاتر از حد متوسط می‌باشد. میانه این متغیر برابر ۳/۱۱ بوده و نشان گر این است که نیمی از پاسخ‌گویان کمتر از این مقدار و نیمی بیشتر از آن را کسب نموده‌اند. قابل ذکر است انحراف معیار متغیر فوق‌الذکر برابر ۰/۹۳ بوده و نشانگر پراکندگی و اختلاف نظر اندک میان پاسخ‌گویان است. از این رو ارقام فوق‌نشان دهنده آن است که درصد قابل توجهی از دختران نسبت به این پدیده نگرش مطلوبی دارند. همچنین در جدول ۲ فراوانی و درصد نگرش خانواده و دوستان (از دید دانش آموزان) نسبت به رابطه با جنس مخالف منعکس است. همان گونه که جدول نشان می‌دهد، نگرش خانواده‌ها (از دید دانش آموز) به این پدیده، ۳۲/۲٪ منفی و ۲۹/۱٪ بینابین و ۳۹/۶٪ مثبت می‌باشد و در میان دوستان دانش آموزان نیز، ۱۴/۲٪ دارای نگرش منفی، ۳۸/۸٪ نگرش بینابین و ۴۷٪ نگرش مثبت داشته‌اند. بدین ترتیب می‌توان چنین انگاشت کرد که قابل توجهی از افراد مذکور نیز به داشتن روابط دوستی با جنس مخالف دارای نگرش مثبتی هستند. قابل ذکر است میانگین و انحراف معیار متغیرهای نگرش خانواده به ترتیب برابر ۳/۱۵ و ۱/۱۷ و نگرش دوستان برابر ۲/۹۶ و ۰/۹۶ است.

جدول ۲- نگرش خانواده و دوستان (از دید دانش آموز) و نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با

## جنس مخالف

سوگیری	نگرش خانواده		نگرش دوستان		نگرش دانش آموزان	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منفی	۱۱۹	۳۲/۲	۵۴	۱۴/۲	۸۴	۲۲
بینابین	۱۱۱	۲۹/۱	۱۴۸	۳۸/۸	۱۲۳	۳۲/۳



شماره اول	بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران...					
مثبت	۱۵۱	۳۹/۶	۱۷۹	۴۷	۱۷۴	۴۵/۷
جمع	۳۸۱	%۱۰۰	۳۸۱	%۱۰۰	۳۸۱	%۱۰۰

جدول ۳ میزان اعتقادات دانش آموزان را به دو متغیر ارزش ها و باورهای دینی نشان می دهد. همان طور که آشکار است، ۰/۱٪ از پاسخگویان اعتقادات کم، ۱/۳٪ بینابین و ۹۷/۶٪ اعتقادات زیاد داشته اند. قابل ذکر است میانه، میانگین و انحراف معیار این متغیر به ترتیب برابر با ۴/۷۶، ۴/۷۹ و ۰/۵۵ است. همچنین میزان ارزش های دینی ۲۶/۸٪ افراد مورد مطالعه ضعیف، ۴۲٪ بینابین و ۳۱/۲٪ قوی است و میانه، میانگین و انحراف معیار این متغیر نیز به ترتیب برابر با ۳/۰۳، ۳/۰۷ و ۱/۰۶ است. با مقایسه میزان اعتقادات زیاد دانش آموزان نسبت به ارزش های دینی ۳۱/۲٪ و باورهای دینی ۹۷/۶٪ می توان گفت که درصد قابل توجهی از دختران دارای باورها و اعتقادات قوی دینی بوده و درعین حال آن هارا مورد بازبینی، تامل و نقد قرار داده اند.

جدول ۳- میزان ارزش ها، پایبندی و اعتقادات دینی دانش آموزان

میزان اعتقادات	ارزش ها و پایبندی دینی		اعتقادات دینی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۱۰۲	۲۶/۸	۴	۰/۱
بینابین	۱۶۰	۴۲	۵	۱/۳
زیاد	۱۱۹	۳۱/۲	۳۷۲	۹۷/۶
جمع	۳۸۱	%۱۰۰	۳۸۱	%۱۰۰

شایان ذکر است هنگامی که با مجموعه ای از متغیرها در سطح فاصله ای و چند ارزشی مواجه هستیم، تحلیل عوامل<sup>۱</sup>، روش مناسبی برای ساختن مقیاس است، که مجموعه بزرگی از متغیرها را به مجموعه کوچک تری از متغیرهای اساسی تقلیل داده که به آن ها عامل گفته می شود (دواس، ۱۳۷۶: ۳۳۳). یکی از

سنجه‌های تحلیل عوامل خوب، میزان تغییرات واریانس متغیرهای اصلی است که توسط مجموع عوامل، تبیین می‌شود. هر چه میزان تغییرات واریانس تبیین شده بیشتر باشد، پاسخ به دست آمده نیز بهتر خواهد بود (دواس، ۱۳۷۶: ۳۴۰).

از این رو در این مطالعه برای ساختن متغیر سبک زندگی از آزمون تحلیل عاملی، سود جسته ایم. جدول ۴ مقدار درصد تبیین شده واریانس را برای گویه‌های سبک زندگی نشان می‌دهد. برای ساختن مصرف محصولات رسانه ای مدرن از شاخص‌های مصرف رسانه ای ماهواره، موسیقی پاپ، کتاب‌های رمان و موسیقی کلاسیک که بر روی عامل اول با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۲۶/۸۹ قرار گرفته اند، استفاده کرده ایم که بیشتر مصرف محصولات رسانه‌ای مدرن را بازتاب می‌کنند و برای ساختن مصرف محصولات رسانه ای سنتی از شاخص‌های مصرف رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجله، کتاب‌های درسی استفاده کرده ایم که روی عاملی با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۱۵/۰۶ قرار گرفتند. همچنین در زمینه فعالیت‌های فراغتی مدرن از شاخص‌های شرکت در پارتنی مختلط، کلاس رقص، یوگا، رابطه با جنس مخالف، رفتن به کافی شاپ، کنسرت، تورهای سیاحتی که بر روی عامل اول با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۳۰/۶۱ جای یافته اند، استفاده کرده ایم و فعالیت فراغتی سنتی با توجه به شاخص‌های رفت و آمدهای خانوادگی، گردش خانوادگی و رابطه با دوستان که بر روی عامل دوم با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۲۳/۷۳ قرار گرفته اند، استفاده شده است. همچنین الگوهای خرید پوشاک مدرن با توجه به گویه‌های شیک و تک بودن، خرید از پاساژهای بالای شهر، مد روز بودن، خارجی و مارک دار بودن و خرید از بوتیک‌های خارجی فروش، که بر روی عامل اول با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۲۵/۵۳ بار شده اند، مورد سنجش واقع شده اند. همچنین از گویه‌های الگوهای پوشاک سنتی شامل خرید بازارهای سنتی، خیاط شخصی، ارزان بودن و توجه به کیفیت با درصد واریانس تبیین شده‌ای برابر ۲۰/۸۲ سود برده ایم. همچنین مدیریت مدرن با استفاده از گویه‌های استفاده از لنز رنگی، انجام جراحی‌های زیبایی، رفتن به سالن‌های آرایش و آرایش ناخن که بر روی عامل اول با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۳۶/۲۶ جای یافته، استفاده شده و از گویه‌های نظافت بدن، اصلاح صورت و آراستن موها و استفاده از عطر که بر روی عامل دوم با درصد تبیین شده واریانسی برابر ۲۴/۴۵ قرار گرفتند، به منظور ساختن شاخص مدیریت سنتی استفاده کرده ایم. از این نظریه

منظور ساختن شاخص سبک زندگی مدرن، از گویه‌های مربوط به عامل اول و سبک زندگی سنتی، از شاخص‌های عامل دوم استفاده نموده ایم.

#### جدول ۴- تحلیل عاملی گویه‌های سبک زندگی

درصد تبیین شده واریانس	عامل دوم	عامل اول	گویه‌ها	شاخص‌های سبک زندگی	
۲۶/۸۹	۰/۰۳۴	۷۷۱	ماهواره	مصرف محصولات رسانه ای	
	۰/۳۱۶	۰/۷۰۶	سینما و تئاتر		
	۰/۲۹۳	۰/۶۶۹	موسیقی پاپ		
	۰/۲۲۳	۰/۵۸۹	اینترنت		
	۰/۱۲۲	۰/۵۵۷	موسیقی کلاسیک		
۰/۲۷۴	۰/۵۳۴	کتاب رمان و داستان			
۱۵/۰۶	۰/۶۶۴	۰/۰۷۸	رادیو و تله ویزین		
	۰/۵۹۳	۰/۳۱۴	روزنامه و مجله		
	۰/۵۳۶	۰/۱۱۸	کتاب درسی		
۳۰/۶۱	۰/۰۵۶	۰/۸۵۴	شرکت در و پارتنری		فعالیت‌های فراغتی
	۰/۲۳۱	۰/۸۰۳	کلاس رقص		
	۰/۰۴۷	۰/۶۱۵	رابطه با جنس مخالف		
	۰/۴۸۴	۰/۵۷۶	رفتن به کافی شاپ دوستان		
۲۳/۷۳	۰/۷۴۸	۰/۰۸۹	رفت و آمد خانوادگی		
	۰/۶۵۳	۰/۱۸۷	رابطه با دوستان دختر		
	۰/۶۵۱	۰/۳۶۷	گردش خانوادگی		
۲۵/۵۳	۰/۱۴۸	۰/۸۳۱	شیک و تک بودن	الگوهای خرید پوشاک	
	۰/۴۵۲	۰/۶۹۴	خرید از پاساژهای بالای شهر		
	۰/۴۵۲	۰/۶۵۸	مد روز بودن		
	۰/۲۱۰	۰/۶۵۲	خرید از بوتیک‌های خارجی فروش		
۲۰/۸۲	۰/۴۵۹	۰/۵۳۲	خرید از بازار سنتی		
	۰/۴۶۴	۰/۱۹۴	خیاط شخصی		
	۰/۵۰۵	۰/۳۲۵	ارزان بودن		
	۰/۲۴۸	۰/۱۰۲	توجه به کیفیت		
۳۶/۲۶	۰/۰۱۵	۰/۸۵۳	استفاده از لژرنگی		مراقبت از بدن
	۰/۰۲۶	۰/۷۶۳	انجام جراحی‌های زیبایی (بینی و...)		
	۰/۲۹۳	۰/۶۸۷	رفتن به سالن‌های آرایش		
۲۴/۴۵	۰/۷۹۲	۰/۲۴۱	توجه به نظافت بدن		
	۰/۵۹۲	۰/۴۳۱	اصلاح صورت		
	۰/۷۹۲	۰/۲۴۱	آراستن موها		

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌کنیم مقدار درصد واریانس تبیین شده هریک از شاخص‌های سبک زندگی در قسمت عامل اول، که بیشتر سبک زندگی مدرن را بازتاب می‌کنند، بیشتر از عامل دوم می‌باشد و این امر نشانگر این است، که گرایش به این سبک زندگی در میان پاسخگویان قابل توجه است. از این رو، این یافته‌ها با نتایج سایر پژوهش‌ها، مبنی بر افزایش جاذبه‌های فرهنگ مصرفی رسانه‌ای، فراغتی و مراقبت از بدن در میان جوانان، به عنوان شاخص سبک زندگی، هم سو می‌باشد (ذکایی، ۱۳۸۹؛ ذکایی، ۱۳۸۶).

در این قسمت از طریق آزمون رگرسیون به بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم. همان گونه که ذکر شد اولین فرضیه مبنی بر آن است که بین اعتقادات دینی دانش‌آموزان و نگرش آن‌ها به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد. همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌کنیم یافته‌های رگرسیون برای بررسی همبستگی اعتقادات دینی دختران با نگرش آن‌ها نسبت به روابط با جنس مخالف نسبتاً پایین بوده و برابر  $R=0/126$  است و مقدار ضریب تعیین تصحیح شده (۰/۰۱۳) نشان می‌دهد که این متغیر تنها ۱٪ از واریانس متغیر وابسته را برای کل جامعه آماری تبیین می‌کند. مقدار منفی بتا رابطه منفی و معکوس دو متغیر را نشان می‌دهد، بدین ترتیب با توجه به ضریب منفی بتا، به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (اعتقادات دینی)، ۰/۵۳۰ واحد از متغیر وابسته (نگرش) کاسته می‌شود. مقدار  $2/464$ - برای تی و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، این همبستگی را معنادار نشان می‌دهد. بنابراین فرضیه اول پژوهش با اطمینان بیش از ۹۹ درصد تایید می‌شود. همچنین مقدار  $7070$  برای  $F$  و سطح معناداری آن این فرضیه را تایید می‌کند.

جدول ۵- آزمون روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تصحیح شده	انحراف معیار	B	بتا	T	F	معنی داری
اعتقادات دینی	۰/۱۲۶	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۰/۲۱۵	-۰/۵۳۰	-۰/۱۲۶	-۲/۴۶۴	۶۰۷۰	۰/۰۱۴
ارزش‌ها و پایبندی دینی	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۸۲	۰/۱۳۳	-۱/۲۲۵	-۰/۴۲۹	-۹/۲۲۳	۸۵/۰۶۸	۰/۰۰۰
سبک زندگی	۰/۳۵۸	۰/۱۲۸	۰/۱۲۶	۰/۰۶۱	۰/۴۵۵	۰/۳۵۸	۷/۴۶۰	۵۵/۶۵۲	۰/۰۰۰

شماره اول	بررسی عوامل موثر بر نگرش دختران...							۱۰۹	
نگرش دوستان	۰/۲۷۲	۰/۰۷۴	۰/۰۷۱	۰/۲۲۴	۱/۲۳۰	۰/۲۷۲	۵/۴۸۵	۳۰/۰۸۷	۰/۰۰۰
نگرش خانواده	۰/۴۲۴	۰/۱۸۰	۰/۱۷۸	۰/۱۳۲	۱/۲۰۵	۰/۴۲۴	۹/۱۲۲	۸۳/۲۰۳	۰/۰۰۰

همچنین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر آن است که بین ارزش‌های دینی دانش آموزان و نگرش آن‌ها به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد. با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌کنیم که همبستگی قابل توجهی ( $R=0/429$ ) میان ارزش‌های دینی و نگرش دانش آموزان وجود دارد. مقدار ضریب تعیین ( $0/182$ ) نشان می‌دهد که ارزش‌های دینی  $18/2\%$  از واریانس متغیر وابسته (نگرش) را در کل جامعه آماری تبیین می‌کند. مقدار منفی بتا ( $-0/429$ ) نشان دهنده رابطه معکوس و منفی میان دو متغیر است. بنابراین فرضیه دوم پژوهش، با اطمینان  $99\%$  تایید می‌شود. فرضیه سوم حاکی از آن است که بین سبک زندگی دانش آموزان با نگرش آن‌ها نسبت به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد. در این زمینه همان گونه که ارقام جدول ۵ نشان می‌دهد همبستگی قابل توجهی در حد ( $R=0/358$ ) میان سبک زندگی به عنوان شاخص هویت اجتماعی و نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف وجود دارد و متغیر سبک زندگی با توجه به مقدار ضریب تعیین،  $12/6\%$  درصد از واریانس متغیر وابسته (نگرش) را در کل جامعه آماری تبیین می‌کند. با مدرن تر شدن سبک زندگی، نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف مثبت تر می‌شود. فرضیه فوق با اطمینان  $99\%$  تایید می‌شود. بر اساس فرضیه چهارم بین نگرش دوستان دانش آموزان و نگرش خود آن‌ها به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد. همان گونه که در جدول ۵ منعکس است ضریب همبستگی برابر  $0/272$  میان نگرش دوستان و نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف وجود دارد، چنان که با توجه به مقدار ضریب تعیین می‌توان گفت که متغیر نگرش دوستان  $7/1\%$  از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری دانش آموزان تبیین می‌کند. فرضیه فوق با اطمینان  $99\%$  تایید می‌شود. فرضیه پنجم پژوهش نیز مبتنی بر آن است که بین نگرش خانواده نسبت به رابطه با جنس مخالف و نگرش دانش آموزان به رابطه با جنس مخالف همبستگی وجود دارد. همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌کنیم همبستگی نسبتاً بالایی ( $0/424$ ) بین نگرش خانواده و نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف وجود دارد. متغیر نگرش خانواده  $17/8\%$  از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری دانش آموزان تبیین

می‌کند. بین نگرش خانواده و نگرش دانش آموزان نسبت به رابطه با جنس مخالف با اطمینان (۹۹٪) رابطه معنادار وجود دارد. همچنین در فرضیه ششم، وجود رابطه همبستگی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین و نگرش دانش آموزان به رابطه با جنس مخالف مطرح شده است. بر این اساس به منظور بررسی فرضیه فوق، از تحلیل یک طرفه واریانس استفاده شده است که در جدول ۶ منعکس است.

جدول ۶- تحلیل واریانس یک طرفه پایگاه اقتصادی اجتماعی و نگرش نسبت به جنس مخالف

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	درصد	فراوانی	میانگین	اتا	مجذور	مقدار	سطح معنی داری
				اتا	اتا	F	
بالا	۲۲/۳	۸۵	۶۷/۹۴				
متوسط	۶۴/۳	۲۴۵	۷۳/۰۹	۰/۱۳۵	۰/۰۱۸	۰/۲۸	۰/۰۳۹
پایین	۶/۶	۲۵	۷۰/۱۲				

تعداد = ۳۵۵ نفر

همان گونه که مشاهده می‌کنیم مقدار معناداری برابر (۰/۰۳۹) نشان می‌دهد که رابطه معنادار و مثبتی بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و متغیر وابسته وجود داشته و تاثیر متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر متغیر وابسته با توجه به مقدار مجذور اِتا برابر ۰/۰۱۸ است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ۱/۸ درصد واریانس متغیر وابسته به وسیله پایگاه اقتصادی-اجتماعی تبیین میشود.

به منظور تحلیل چند متغیره، از روش رگرسیون چند متغیره گام به گام<sup>۱</sup> استفاده نموده ایم. از میان ۶ متغیر (نگرش خانواده، نگرش دوستان، ارزش ها و پایبندی دینی، اعتقادات دینی، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) که وارد مدل شدند، سه متغیر در این مدل باقی ماند که به ترتیب عبارتند از: نگرش خانواده، ارزش ها و پایبندی دینی و نگرش دوستان. با توجه به جدول ۷، مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیر نگرش خانواده ۱۸٪ واریانس متغیر وابسته را در کل

1- stepwise

جامعه آماری دانش آموزان تبیین می‌کند. همچنین ۲۷/۵٪ تغییرات واریانس متغیر نگرش توسط متغیرهای مستقل نگرش خانواده و ارزش‌ها و پایبندی دینی تعیین می‌شود. همین‌طور ۳۰/۳٪ تغییرات واریانس متغیر نگرش دختران توسط متغیرهای مستقل نگرش خانواده، ارزش‌های و پایبندی دینی و نگرش دوستان تبیین شده است.

جدول ۷ - ضرایب رگرسیونی قدم به قدم برای پیش‌بینی متغیر وابسته

کلمه	وارد شده	متغیرهای	B <sub>پیش</sub>	BETA	مقدار T	SIG T	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> .AD	خطای استاندارد	آزمون F	SIG F
اول	نگرش خانواده		۰/۸۱۳	۰/۳۰۰	۶۳۴	/۰۰۰	۰۰/۴۲۴	۰/۱۸۰	۰/۱۷۸	۱۲/۲۵		
دوم	ارزش‌ها و پایبندی دینی		۸۷۳	-۰/۳۰۳	۶۴۴	/۰۰۰	۰/۵۲۴	۰/۲۷۵	۰/۲۷۱	۱۱/۵۳	۵۰/۸۰	۰/۰۰۰
سوم	نگرش دوستان		۰/۸۰۴	۰/۱۷۲	۳۷۵	/۰۰۰	۰/۵۵	۳۳۰	۰/۲۹۷	۱۱/۳۲		

مقادیر بتا در جدول ۷ نشان می‌دهد که متغیر نگرش خانواده در گام اول و نگرش دوستان در گام سوم با متغیر وابسته همبستگی مستقیم و مثبت داشته و در گام دوم متغیر ارزش‌های دینی با متغیر وابسته همبستگی معکوس و منفی را نشان می‌دهد. همچنین مقادیر به دست آمده برای آزمون (F) و (T) نیز نشان می‌دهند که همبستگی متغیرها با ۹۹٪ اطمینان معنادار است. معادله رگرسیونی گام به گام برای سه متغیر بالا چنین خواهد بود:

$$Y = 0.172 (\text{نگرش دوستان}) + 0.303 (\text{ارزش‌ها و پایبندی دینی}) - 0.300 (\text{نگرش خانواده})$$

اگر سه متغیر مزبور را به عنوان سه عامل فرهنگی-اجتماعی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به رابطه با جنس مخالف تلقی کنیم، می‌توان گفت که متغیر نگرش خانواده، ارزش‌ها و پایبندی دینی تأثیرگذارترین عوامل محسوب می‌شود، چرا که این متغیرها ۴۵٪ از واریانس متغیر وابسته (نگرش نسبت به رابطه با جنس مخالف) را تبیین کرده‌اند.

در این زمینه، در مورد فرضیات پژوهش می‌توان ادعان داشت که با توجه به تحلیل چند متغیره رگرسیونی گام به گام، فرضیات پژوهش در زمینه رابطه نگرش خانواده و دوستان و

ارزش‌های دینی با نگرش دختران مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این زمینه می‌توان اذعان داشت که نهادهای دین و خانواده، از جمله تاثیر گذارترین عوامل فرهنگی در انتقال نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به روابط میان دو جنس بوده و از میان همه متغیرهای پژوهش، بالاترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته دارند. قابل ذکر است ارزش‌های دینی نظامی از معانی گروهی پذیرفته شده در یک جامعه است که در فرایند جامعه پذیری درونی می‌شوند. تاثیر این نظام معانی به اندازه ای است که نظارت فردی و اجتماعی را قویا اعمال می‌کند. همچنین نتایج پژوهش حاکی از تاثیر جامعه پذیری خانواده بر نگرش دختران نسبت به جنس مخالف است که نشان دهنده اهمیت خانواده به عنوان یکی از گروه‌های مهم اجتماعی است که هنوز هم نقش مهمی در پرورش و جامعه پذیری نوجوانان ایفاء می‌کند.

#### نتیجه گیری و بحث

همان گونه که ذکر شد از جمله اهداف این مقاله، سنجش سطح نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف است. در این زمینه نتایج تجربی این پژوهش نشان داد درصد قابل توجهی از دختران و دوستانشان (۴۵/۷) نسبت به رابطه با جنس مخالف موافق هستند که این یافته، هم سو با نتایج پژوهش‌های جوکار (۱۳۸۳)، عبدالهیان (۱۳۸۳)، علی احمدی (۱۳۸۴) و سازمان ملی جوانان (۱۳۷۹) است. همچنین از جمله اهداف دیگر این پژوهش، بررسی برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف است. از این رو در پرتو دیدگاه‌های اینگلهارت و گیدنز در باب تغییر ارزش‌ها، هویت شخصی و سبک زندگی؛ نگرش دختران نسبت به دوستی و رابطه با جنس مخالف مورد بررسی قرار گرفت. همان گونه که یافته‌ها نشان داد نگرش دختران با متغیرهای سبک زندگی، اعتقادات، ارزش‌ها و پایبندی دینی، نگرش خانواده و نگرش دوستان به ترتیب دارای میزان همبستگی برابر ۰/۳۵۸، ۰/۱۲۶، ۰/۴۲۹، ۰/۴۲۴ و ۰/۲۷۲ است. به عبارت دیگر هر قدر دختران از سبک زندگی مدرن تری بهره برده و دارای سطوح پایین تری از ارزش‌ها، اعتقادات و پایبندی دینی باشند، نگرش مطلوب تری نسبت به رابطه با جنس مخالف دارند. همچنین نتایج تحلیل چندگانه نشان داد متغیرهای



ارزش ها، پایبندی دینی و نگرش خانواده و دوستان، ۴۵٪ از واریانس متغیرنگرش دختران را تبیین نموده که در این میان ارزش ها و پایبندی دینی، تاثیرگذارترین متغیر محسوب می شود. از این رو یافته های مذکور، موید یافته های موحد (۱۳۸۵) و روزنزیوگ (۲۰۰۸) در این باره است که همراه با گسترش مدرنیسم و دگرگونی های نهادی و اجتماعی چون گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات، افزایش حضور زنان و دختران در جامعه، تغییرات ارزشی و سبک زندگی و گسترش روز افزون رسانه های ارتباطی (ماهواره، اینترنت)، نگرش برخی اقشار نسبت به دوستی و روابط دختران و پسران نیز تغییر یافته است. همچنین نتایج این پژوهش، یافته های فراهانی و همکاران (۱۳۸۵)، کوشی (۱۳۷۳) و جوادی یگانه (۱۳۷۳) در این باره را تأیید می کند که اعتقادات و پای بندی به ارزش های دینی، با نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف، رابطه ای معنادار و مستقیم دارد. بنابراین از این دیدگاه، می توان اذعان داشت جهانی شدن و فرایندهای مدرنیزاسیون با تاثیر بر فرهنگ عینی، فرهنگ ذهنی، ارزش ها و نگرش های افراد را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است، چنان که مبادله ایده ها و ارزش ها در سرتاسر جهان، بر تغییر رفتار افراد موثر بوده و توسعه اقتصادی- اجتماعی با ایجاد تغییرات چشمگیر در زندگی فرهنگی و اجتماعی، به افزایش سطوح تحصیلات، درآمد، تغییر در نقش ها، هنجارها و ارزش های مرسوم جنسیتی و... منجر شده است. بر این اساس، یافته های این پژوهش موید دیدگاه های اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰)، اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۷)، اینگلهارت و آبرامسون (۱۹۹۴)، گیدنز (۱۳۸۲)، میکروز (۱۹۹۵) و گونل (۲۰۰۷) و روزنزیوگ (۲۰۰۸) در این باره است که با بروز و گسترش مظاهر مدرنیسم، دگرگونی های ارزشی و نگرشی دختران، یکی از نشانگان و سازه های دگرگونی های گسترده فرهنگی در جامعه در حال گذار ماست.

شایان ذکر است فرایندهای جامعه پذیری در خانواده و دوستان، نقشی به سزا در ساخت، بالندگی و دگرگونی نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف ایفاء می نماید. ارزش های بنیادین بخش قابل توجهی از دختران نوجوان، حاصل جامعه پذیری و انعکاس شرایطی است که در دوران پیش از نوجوانی، از طریق مشاهده گروه های دوستان و خانواده ایجاد شده و دختران

سعی می‌کنند ارزش‌های خود را با آنان منطبق نمایند. منابع جامعه‌پذیری با افزایش سن گسترش یافته و تأثیرات خانواده به همراه تأثیرات دوستان، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش دختران نسبت به رابطه با جنس مخالف داشته، چنان‌که در این مقطع سنی برای نوجوانان مهم‌ترین منابع جامعه‌پذیری محسوب می‌شود. هم‌چنین نهادهای دینی، به‌عنوان یکی از زمینه‌های فرهنگی، با درونی‌کردن ارزش‌های اجتماعی، نقشی بنیادینی در نگرش افراد داشته و این نظام معانی و ارزشی، نقش به‌سزایی در دگرگونی نگرشی دختران نسبت به روابط با جنس مخالف ایفا می‌کنند.

قابل ذکر است یافته‌های این پژوهش هم‌سو با دیدگاه گیدنز (۱۳۸۲)، چنین می‌نماید که از جمله عناصر بنیادی در همه این دگرگونی‌ها، افزایش امکان انتخاب سبک زندگی و گزینش انسانی افراد در مراحل مختلف زندگی می‌باشد. در این زمینه هر قدر سبک زندگی به‌عنوان یکی از منابع هویتی دختران در قالب الگوهای خرید پوشاک، فعالیت‌های فراغتی، مصرف محصولات رسانه‌های و مراقبت از بدن، مدرن‌تر باشد، نگرش آنان نسبت به روابط و معاشرت با جنس مخالف مطلوب‌تر است. از این رو هم‌سو با دیدگاه «های» (۱۹۹۷) می‌بایست یادآور شد حوزه خصوصی و حاشیه‌ای دوستی‌های دختران مدرسه‌ای، مکان مهمی است که در آن هویت دختران نوجوان متجلی است. در سال‌های اخیر سبک زندگی مدرن، گسترش وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلفن همراه و اینترنت، حجم و کیفیت روابط اجتماعی دختران را تحت تأثیر خود قرار داده است. رسانه‌ها به خصوص فضای مجازی، مکانی سیال و مجازی را برای هویت‌یابی و دوست‌یابی دختران جوان، ایجاد کرده و توسعه امکانات در فضاهای مجازی، به‌گسترش امکان گفت‌وگو، دوست‌یابی، روابط اجتماعی و انتقال اخبار و اطلاعات انجامیده است. این بدان معناست که در دنیای جدید، هرگاه دختران مایل باشند خارج از آداب، اصول و هنجارهای اجتماعی، انتخاب‌هایی برای برقراری ارتباطات دوستانه و شخصی با دیگران به عمل بیاورند، امکانات گوناگونی پیش روی خود خواهند یافت. از این رو می‌توان اذعان داشت از جمله تغییرات مهمی که در سبک زندگی جوانان، به خصوص در کلان‌شهرها، صورت گرفته، سهولت روابط دختران و پسران در سال‌های اخیر است که از جمله مظاهر آن کثرت و توسعه اماکنی است که اساساً نسل

جوان بیشترین بهره‌گیری را از آن‌ها دارند. مراکز آموزشی، تفریحی، فرهنگسراها، پارک‌ها، کافی‌شاپ‌ها، کافی‌نت‌ها و... اماکنی هستند که در آن‌ها ارتباط حضوری دختران و پسران به شدت تسهیل شده است. از این رو می‌توان دریافت رفتار و نگرش درصد قابل توجهی از دختران نسبت به دوستی و روابط باجنس مخالف، عمیقاً تحت تاثیر عوامل و مولفه‌های مدرنیسم است، چنان‌که این ارتباطات، روابط شخصی و دوستی‌ها، نقش مهمی در بازاندیشی گسترده تجدد و طرح هویت شخصی آنان یافته است.

همان‌گونه که یافته‌ها نشان داد، دختران نوجوان از جمله اقشاری هستند که در معرض تغییرات و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی قرار داشته، از این رو در بررسی‌های مربوط به تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی، مطالعه در حوزه نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است. علی‌رغم آن‌که تاکنون مطالعات اندکی در زمینه، دوستی‌ها، روابط شخصی و خصوصی این اقشار صورت گرفته و چندان مهم انگاشته نشده، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد پژوهش در زمینه روابط خصوصی و شخصی و دوستی گروه‌های مذکور، از جمله حوزه‌های مهمی است که در آن تاثیر تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی به روشنی در تغییرات ارزشی، سبک زندگی و نحوه شکل‌گیری هویت اجتماعی اقشار نوجوان و جوان، به ویژه دختران، آشکار بوده و از این رو اهمیت قابل توجهی در این گونه بررسی‌ها ایفاء می‌نمایند. شایان ذکر است همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند تاثیرات دگرگونی‌های اجتماعی بر دختران نوجوان، به طور عمده از طریق نهادها و گروه‌هایی صورت می‌پذیرد که به عنوان گروه‌های مرجع، دختران تحت تاثیر آن قرار داشته و جامعه پذیریشان از آن طریق صورت می‌پذیرد. از این رو در حوزه مطالعات نوجوانان، به ویژه دختران نوجوان، گروه‌های مذکور، سهم به‌سزایی در دگرگونی نگرش‌ها، افکار و ایده‌آل‌های این نوجوانان داشته، تحت تاثیر فرایندهای مدرنیته و تغییرات نگرشی ناشی از آن قرار داشته و نقش مهمی در مطالعه اقشار مذکور ایفاء می‌نمایند.

## منابع

- آپورت، گوردن دبلیو (۱۳۷۱): "روان شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون"، ترجمه محمد تقی منشی طوسی، مشهد، آستان قدس.
- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳): "تحول فرهنگی در جوامع پیش رفته صنعتی"، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- جوادی یگانه محمد رضا (۱۳۷۷): "نظر سنجی از جوانان پیرامون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران"، دفتر بررسی های اجتماعی سازمان تبلیغات اسلامی.
- جوکار بهرام، (۱۳۸۳): "مقایسه نگرش دانشجویان دانشکده های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر"، در مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- دواس، دی.ای (۱۳۷۶): روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی، ترجمه مریم رفعت جاه، رخساره کاظم، نشر مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی، تهران.
- سارو خانی، باقر (۱۳۸۰): "روش تحقیق در علوم اجتماعی"، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۷۹): بررسی میزان رایج بودن دوستی دختر و پسر از نظر والدین (شهر تهران). ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۵): فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، نشر آگه، چاپ اول.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۶): جوانان، بدن و فرهنگ تناسب، فصل نامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۴۱ - ۱۱۷.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۹): سبک زندگی جوانان، روزنامه همشهری، سال هیجدهم، شماره ۵۱۱۲.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳): "ارزش سنت و بازتولید فرهنگی"، مقاله ارائه داده شده در همایش جمعیت شناسی با تأکید بر جوانان شیراز.
- علی احمدی، امید (۱۳۸۳): نگرش های خانوادگی ایرانیان، تحلیل ثانویه اطلاعات ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال های (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، وزارت ارشاد اسلامی.
- فراهانی، فریده و همکاران (۱۳۸۵): "آگاهی، نگرش و عملکرد باروری پسران (۱۸ - ۱۵) ساله تهران"، دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی ۲۸ - ۲۵ اردیبهشت فرجاد حسین، (۱۳۷۷): "بررسی مسائل اجتماعی ایران؛ فساد اداری، اعتیاد و طلاق"، انتشارات اساطیر.

کوثری، محمد رضا (۱۳۷۳): "بررسی علل رابطه با جنس مخالف در میان دانش آموزان دختر دوره راهنمایی در منطقه ۱۸ آموزش و پرورش" پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی .

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱): "جامعه شناسی"، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

گیدنز آنتونی (۱۳۸۲): "تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)"، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

موحد، مجید، عباسی شوازی (۱۳۸۵): "بررسی روابط جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزش های سستی ومدرن (در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج)"، فصل نامه علمی - پژوهشی مطالعات زنان سال ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵ .

مهدیزاده، شراره، عبدالهی، الهه (۱۳۸۶): بررسی جامعه شناختی روز ولتاین در میان جوانان تهران، فصل نامه مطالعات جوانان، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۶.

Bourdieu, Pierre. (1984): *Distinction: A Social Critique of the Judgement of taste*. Routledge.

Eder, Donna, (1985): 'The cycle of popularity: Interpersonal relations among female adolescents' *Sociology of Education*, vol.58, July, pp.154-165.

Featherston, Mike (2007): *Consumer Culture and postmodernism*. 2<sup>nd</sup> edition, sage publication.

Giddens, Anthony (1992): *Transformations of Intimacy: Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies*, Stanford University Press, Stanford.

Gunnell Martin (2007): *Global Cultural Values Change and The Relationship with telecommunications Change: A longitudinal analysis*, capella University.

Hartley, Robyn (1994): 'Young adults and friendship', *Family Matters, Journal of the Australian Institute of Family Studies*, December, no.39, pp.4-7.

Hey, Valerie (1997): *The Company She Keeps: An Ethnography of Girls' Friendship*, Open University Press, Buckingham UK.

Hey, V (2002): 'Horizontal solidarities and molton capitalism: The subject, intersubjectivity, self and the other in late modernity'. *Discourse, studies in the cultural politics of education*. 23(2):225-241.

Ingelhart, Ronald . 2000: "Globalization and Postmodern Values" *The Wahington Quarterly* 23: 215-222.

Inglehart, Ronald, Wayne E. Baker. 2000: 'Modernization, cultural change, and the persistence of traditional values. *American Sociological Review*, 65: 19-51

- Inglehart, Ronald, 2004: Human Beliefs and Values. Siglo veintiuno editores
- Inglehart Ronald(2007):Modernization,Cultural Change,and Democracy.The Human Development sequence,Cambridge University Press.
- Inglehart Ronald and Pual R.Abramason.(1994):Economic Security and Value Change,The American political science Review,Vol,88,No.2.pp.336-345.
- Kinney, David, A. (1993):From nerds to normal: The recovery of identity among adolescents from middle school to high school, *Sociology of Education*, vol.66 January, pp.21-40.
- Leckie, Barbara (1997): Girls bullying behaviours and peer relationships: The double-edged sword of exclusion and rejection', paper presented at the annual conference of the Australian Association for Research in Education, Brisbane, Aust.
- Lash,Scot,Urry,John(1993):The End of organized capitalism,polity press.
- Glock,Charles Young and Rodney STARK(1965): THE DIMENSIONS OF Religiosity:Religion and society in Tension.Chicago:Rand McNally.
- McLeod,Julie(1998): Friendship,schooling and gender identity work. Paper presented at the Australian Association for Educational Research Annual Conference.NOV 30-Dec 3.Adelaide.
- Palumets,Liis(2002):Space of lifestyles in Estonia in 1991,proethnologia.
- ROSENZWEIG LINDA W.( 2008): Encyclopedia of children and childhood in history and society, ,the gale group Inc.
- Simmons, Rachel. 2002: *Odd Girl Out: The Hidden Culture of Aggression in Girls*. New York: Harcourt.
- Spencer,L.andPahl,R.(2006):RethinkingFrienship:Hiddensolidarities today.Woodstock,Princeton University Press.
- Tulloch, Marian (1995):'Gender differences in bullying experiences and attitudes to social relationships in high school students', *Australian Journal of Education*, vol.39, no.3, pp.279-293.
- Wilks, Jeffrey (1992):'Important issues in adolescence', *Youth Studies Australia*, Summer, vol.11, no.4, pp.49-55.
- Wiseman, Rosalind. 2002:*Queen Bees and Wannabes: Helping Your Daughter Survive Cliques, Gossip, Boyfriends, and Other Realities of Adolescence*. New York: Crown.